

سوره الحزین

مقام معظم رهبری :

هر شهید پرچمی برای استقلال و شرف این ملت است.

نمابندگی دفتر حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس شهرستان جوین پس از تایید و تقدیر رهبری در بهمن ۹۷ فعالیت خود را به صورت شبانه روزی در جهت ثبت و ضبط تاریخ دفاع مقدس و شهدا با برنامه های خاطره گویی ، چاپ کتاب و ساخت فیلم و جمع آوری آثار دوران دفاع مقدس آغاز کرد

شماره تلفن ۰۹۱۵۱۷۱۰۶۳۱.



اداره کل حفظ آثار و نشر
ارزش های دفاع مقدس
اسکان عرواسان رهنوی

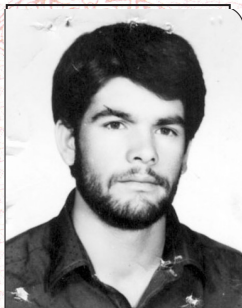


انتشارات یاران رضا

موضوع : شناسنامه های ما (شهید محمود رضا کلاته ملایی)
نویسندگان : محمد علی شمس آبادی - فاطمه مهدیان
ویراستار: هادی آریانا
طراحی جلد و صفحه چینی: هادی آریانا
ناشر: انتشارات یاران رضا(ع)
چاپ اول ۱۴۰۰



جمهوری اسلامی ایران



مشخصات شهید

نام: محمود رضا

نام خانوادگی: کلانته ملایری

نام پدر: غلامرضا

تاریخ تولد: روز ۱۱ - ماه خرداد - سال ۱۳۴۱

محل تولد: شهرستان جویبار ملایر

درجه: معلم بیجی

شهادت	روز	ماه	سال	محل
شهادت	۰۹	۱۲	۶۲	جزیره مجنون

نحوه شهادت: عملیات خیر در جزیره مجنون

مزار شهید: مزار شهیدای شهر نقاب - محله ملایر

معلم شهید محمودرضا کلاته ملایی

محمودرضا کلاته ملایی فرزند غلامرضا در خرداد ماه سال ۱۳۴۱ در روستای ملایجرده شهرستان جوین به دنیا آمد. دوره های تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در شهر نقاب گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان به سبزوار عزیمت نمود.

او جوانی متعهد و علاقه به شغل شریف معلمی داشت و دوست داشت در روستاهای محروم منطقه خود خدمت کند. وی پس از اخذ دیپلم به عنوان دانشجوی آموزش ابتدایی در سال ۱۳۶۰ در مرکز تربیت معلم شهید خورشیدی مشهد پذیرفته شد.

محمودرضا با وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی و در زمان دانشجویی برای اولین بار به جبهه های حق علیه باطل شتافت. شهید کلاته ملایی پس از یک سال خدمت در روستای راه چمن، در اداره آموزش و پرورش جوین مشغول به کار شد و این جوان برومند علی رغم دارا بودن چهره ای آرام و با طمانینه، درونی مملو از شور و هیجان داشت. برای دفاع از مرز و بوم کشورش که مورد هجمه بی امان رژیم بعث عراق قرار گرفته بود بی تاب می کرد و آرزو داشت که به جبهه های

حق علیه باطل رفته و از نظام نوبای جمهوری اسلامی دفاع کند شهید یک بار در زمان تحصیل خود در مرکز تربیت معلم مشهد، به مدت ۴۵روز به جبهه های حق علیه باطل شتافته بود و این بار برای بار دوم قصد جهاد دفاعی کرد .

او که شیفته ی دفاع از نظام و میهن اسلامیمان بود، بار دیگر به میداین نبرد شتافت و سرانجام در تاریخ ۶۴/۱۲/۰۹ در عملیات خیبر در منطقه ی جزیره مجنون به فیض شهادت نایل آمد.

او با شاگردانش بسیار صمیمی و مانند یک برادر بزرگتر با آن ها رفتار می کرد. به نقل از یکی از دوستانش چندین بار به وی مسئولیت های مختلف پیشنهاد شد ولی او امتناع می کرد و می گفت: از بازخواست روز قیامت درباره ی تصدی این مسئولیت می ترسم که مبادا حقی ناحق شود. حاج غلامرضا کلاته ملایی» پدر این شهید عزیز که جشمانش پس از سال ها انتظار دیدار جگر گوشه هایش «آزاده حاج احمد واعظی و شهید محمود رضا» که سال ها مفقود و اسیر بودند، از رmq افتاده و هیچ سویی ندارد در مورد شهیدش می گوید: ۶ فرزند داشتم و شهید محمود رضا فرزند سوم خانواده است « حاج غلامرضا » می گوید: یک بار محمود از مرکز تربیت معلم مشهد به جبهه اعزام می شود و نخواستہ است که ما در جریان باشیم و غصه بخوریم ، روزی دیدم با

لباس نظامی بسیجی وارد خانه شد! گفتم محمود جان تو دانشجویی یا سرباز؟ محمود گفت: بدرجان من نخواستم شما نا راحت شوید و بدون اطلاع شما از مشهد به جبهه اعزام شدم.

این پدر که داغ فراق ۲ فرزند و جگر گوشه را سال ها تحمل کرده است می گوید: محمود من در عملیات خیبر در جزیره مجنون در سال ۶۲ شهید شده و ما ۱۳ سال هیچ خبر و نشانی از وی نداشتیم! تا اینکه در سال ۷۵ بیکر مطهر وی را که شامل چند قطعه استخوان بود در جویین تشییع کردیم-

پدر شهید با اظهار رضایت از رفتار و کردار محمود رضا می گوید: وقتی محمود رضا از مدرسه می آمد بلافاصله چند راس گوسفندی را که در منزل پرورش می دادیم رسیدگی می کرد و یا آنها را برای چراندن به بیرون می برد محمد قائمی برادر بزرگ این شهید با اشاره به اینکه این شهید دلبستگی به دنیا و مسایل مادی نداشت، می گوید: اوج جوانی این شهید مصادف شد با اوایل انقلاب و مبارزه مردم و تظاهرات مردمی علیه نظام شاهنشاهی، و این شهید نیز در انقلاب اسلامی و تشویق مردم به مبارزه بر علیه شاه نقش داشت.

«قائمی» می گوید: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با شرکت در حلقه های فرهنگی و سیاسی انقلابیون آن زمان فعالیت می کرد. یادم هست که با دوستان آن زمان خود، آزاده عباس علی بیدخوری و انوری نسب و مرحوم احمد ثنایی فر و غیره در امور انقلاب و بسیج محل فعالیت داشت برادر ارشد

شهید در مورد فداکاری و خانواده دوستی این شهید نیز می گوید:
از آنجاییکه محمود رضا مجرد بود ملاحظه زندگی برادرانش را می کرد و هم در امور خانه کمک به پدر و مادر داشت و هم در کار های کشاورزی که در روستای ابراهیم آباد جوین داشتیم همراه با تحصیل همکاری می کرد.

قائمی در مورد روحیه ایثار گری شهید می گوید: وقتی من قصد اعزام به جبهه را داشتیم، ایشان مانع می شد و می گفت: شما زن و بچه دارید اجازه دهید من بروم. عباس علی بید خوری یکی از هم رزمان این شهید می گوید: این شهید در برابر انحرافات و عقاید باطلی که در اوایل انقلاب وجود داشت، به شدت مقابله می کرد و به نظر من این شهید مصداق همان آیه اشد « ا علی الکفار و رحما و بینهم » بود بید خوری که به عنوان مسول و فرمانده بسیج محل و بسیج وقت آن زمان و نیز ریاست اداره آموزش و پرورش بود می گوید: وقتی از محمود رضا سوال کردم چرا اصرار به رفتن به جبهه جنگ را داری؟ گفت: من مقلد امام هستم و اطاعت از امام هم برای ما تکلیف شرعی است.

« بید خوری » با اشاره به روحیه توکل و توسل ایشان به ائمه اطهار یاد اور شد: این شهید، علی رغم اینکه جوان بود و زندگی هم تشکیل نداده بود یک روحیه اعتدالی داشت و مثل بقیه جوانان داغ و احساساتی عمل نمی کرد و همواره با اعتدال رفتار می کرد و قرآن را همواره با خود

داشت و من بارها می دیدم که در محل کارش و هم در سنگرش همواره با قرآن مانوس است .

وی با اشاره به اینکه این شهید مسولیت پذیری داشت و به راحتی یک پست و مسولیت را قبول نمی کرد مگر اینکه مطمئن باشد که از عهده آن بر می آید ،

بیدخوری افزود: در عملیاتی که وی شهید شد ، من قبل از عملیات شاهد رفتار و حرکات ایشان بودم. محمود رضا گویا آماده پرواز شده بود و هم چو یک حالتی داشت.

ایشان در مورد شرایط منطقه عملیاتی که شهید در آن مکان به شهادت رسیدند، نیز گفت: عملیات بسیار سختی بود بچه ها و از جمله شهید محمود رضا ۱۰ ساعت داخل قایق و آن هم در خاک دشمن ، گاهی قایق داخل اب واژگون می شد و دوباره بچه ها سوار می شدند با آن همه تجهیزات انفرادی و سلاح سنگین تیر بار و صد ها فشنگ و نارنجک وقتی از قایق پیاده شدیم حدود ۱۰ کیلومتر باید داخل نیزار ها و کشتزار ها می رفتیم تا به شهر القرنه عراق برسیم متاسفانه در این عملیات مهمات کم آوردیم و پشتیبانی هم نشدیم و دشمن بعضی به شدت بچه ها را می کوبید وقتی در لحظات آخر، ما را (بیدخوری) اسیر گرفتند، دیدم داخل بچه هایی که اسیر شده اند محمود رضا نیست فهمیدم شهید شده است .

برادر آزاده از برادر شهیدش می گوید

احمد رضا واعظی برادر این شهید که مدت ها در اسارت دشمن در عراق بود در مورد برادر شهیدش می گوید: این شهید علاقه خاصی به رهبرانقلاب و نظام داشت و هر کسی انتقاد می کرد و یا در مورد رهبری و نظام ساز مخالف می زد ایشان شدیداً جبهه می گرفت و سعی می کرد با پاسخ منطقی طرف را مجاب کند .

واعظی برادر بزرگتر محمود رضا با اشاره به روحیه انقلابی این شهید می گوید: یادم هست که این شهید در استانه پیروزی انقلاب اسلامی و اوج کشتار مردم توسط عوامل شاه خائن به اتفاق دوست خود حجت ا... ملایجردی (نیک اندیش) عکس شاه را به گردن و دم یگ دراز گوش (الاغ) بسته بودند و این حیوان زبان بسته را به سمت در ورودی پاسگاه ژاندارمری نقاب (جوین) رها کرده بودند . این روش انقلابی مبارزه شهید و دوستش موجب استهزا و خنده عابران شده بود واعظی در مورد سخت کوشی و اطاعت پذیری شهید از پدر و مادرش نیز می گوید: یک سالی پدرمان به حج مشرف شده بود و من هم باید می رفتم به محل خدمتم در کردستان و تمام امور خانه و کشاورزی بر دوش شهید افتاده بود و وقتی پدر از حج برگشتند با کمال تعجب دیدند که این شهید با غیرت به تنهایی گندم

ها را درو کرده و هیچ یک از کارهای کشاورزی نیز بر زمین نمانده است!

روزه های مستحبی و تیمارداری از مجروحان جنگ

در دوره تربیت معلم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای اولین بار دانشجو گزینش کردند، این شهید با مولف در مرکز تربیت معلم شهید خورشیدی مشهد هم دوره بود. معاون پرورشی وزیر آموزش و پرورش «حمید رضا کفاش» در اولین سال های معلمی اش در این مرکز به عنوان سرپرست شبانه روزی بود و برنامه های معنوی و خودسازی خوبی اجرا می کرد. به طوری که دوشنبه ها و پنج شنبه ها تقریباً نیمی از دانشجویان مرکز برای گرفتن سحری در سالن سلف سرویس هم دیگر را ملاقات می کردند و شهید محمود رضا یکی از مشتری های پرو پاقرص و همیشگی این شب ها و سحری هایش بود و غالباً پس از نماز و مغرب و عشا تا پاسی از شب صدای ناله العفو و العفو دانشجویان فضای سالن سلف مرکز را که به عنوان مسجد و نمازخانه استفاده می شد، طنین انداز می کرد.

یکی از برنامه های خوبی که در جهت خودسازی و همراه شدن دانشجویان با رزمندگان جبهه ها در این مرکز توسط «کفاش» انجام می گرفت، اعزام گروهی دانشجویان مرکز به بیمارستان های سطح شهر مشهد در برخی از شب ها بود که مولف خاطرات خوب و خوشی از همراهی با این شهید در

این شب‌های تیمار داری از مجروحان جنگ در بیمارستان قائم را با خود دارد
گزیده ای از وصیت نامه شهید:

رهبر را دوست داشته باشید و به نظام وفادار بمانید و در مقابل تهاجم استکبار
به سرکردگی آمریکا، امام را تنها نگذارید که اگر ما شکست بخوریم تمام
کشورهای مسلمان که چشم امیدشان به ملت ما دوخته شده مایوس
خواهند شد که در آن زمان اسلامی دیگر وجود نخواهد داشت





شماره کلاسه ۲۰۰۲۲۰۰۰۰۰۰۰۰

تاریخ صدور

۱۳۷۴ / ۱۰ / ۲۴

تقدیرنامه



جمهوری اسلامی ایران



ما شهادت را یک فوز عظیم می دانیم و ملت ما هم شهادت را بد جان و دل قبول می کند. «امام خمینی»

«گواهی شهادت»

بدین وسیله گواهی می شود برادر رزمنده با مشخصات زیر به فیض عظیم شهادت نائل شده اند و این برگه بمنزله مجوز انتقال پیکر پاک ایشان می باشد.

نام شهید: نام خانوادگی: نام پدر: نام مادر: نام همسر: نام فرزندان: نام همسر فرزندان:

شماره پلاک: شماره ستارگان مربوطه: محل خدمت: سپاه: لشکر/ تیپ: گردان/ واحد: تاریخ شهادت: محل شهادت: علت شهادت: عامل شناسایی: آورنده: ستاد معراج شهدای: دارد ندارد



وسایل همراه شهید:

- ۱- ۸
- ۲- ۹
- ۳- ۱۰
- ۴- ۱۱
- ۵- ۱۲
- ۶- ۱۳
- ۷- ۱۴

نام و نام خانوادگی و امضاء: ۱ - تحویل گیرنده

۲ - تحویل دهنده



مادر شهید



پدر شهید

زنده نگاه داشتن یاد و خاطره شهدا کمتر از شهادت نیست « مقام معظم رهبری »

شهدا اسناد افتخار و عظمت یک‌ملت به حساب می‌آیند بر اساس رهنمود رهبر معظم انقلاب این شناسنامه فرهنگی با هماهنگی خانواده محترم شهید و با همت دفتر حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس شهرستان جوین و با مساعدت بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد یادواره شهدای جوین تهیه و تنظیم شد و به عنوان سند افتخار دفاع مقدس در جهت ثبت و نگهداری در تاریخ دفاع مقدس؛ تحویل کتابخانه‌های عمومی و دولتی شهرستان و استان و موزه دفاع مقدس و بنیاد شهید و سپاه و فرمانداری و بستگان و اقوام شهید شد .

دفتر حفظ آثار و نشر
ارزش‌های دفاع مقدس
شهرستان جوین

آموزش و پرورش
شهرستان جوین

ستاد یادواره شهدای
جوین